

۷ مارچ ۲۰۱۰

ملیحه "نایاب"  
آسترالیا

## رسالت زن در دین

چنانکه تاریخ شاهد آن بوده و میباشد، زنان جهان در طول تاریخ در ساحات مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی و دینی خدمات ارزشمند را در جهان بشریت انجام داده اند، مثال های زیادی موجود است که این واقعیت را بما ثابت میسازد.

خشونت، تعصب همچنان اعتقادات بیمورد، در جوامع اسلامی بیشتر زندگی زنان مسلمان را متاثر ساخته است یعنی به آنها چنین فرصت میسر نگردیده است، تا با استدلال و آزادی فکری "عقل" که پروردگار عالم به همه بندگانش بدون تبعیض ارزانی داشته است، در همه امور بخصوص در مورد دین شان شناخت لازم را داشته باشند.

- آسیه زن فرعون باوجودیکه شوهرش یک مرد ظالم متکبر و (مشرک) بود، اما این زن با ایمان و خدا شناس در زیر همان یک سقف خانه که با شوهرش زندگی میکرد ایمان و رسالت اش را در برابر دین هرگز فراموش نکرد، خداوند تعالی مقامش را در جمع زنان مومن گرامی داشت و در سوره ای از قرآن دیانت و ندای قلبش را آنچه آن زن از خداوند تعالی خواسته بود به پیغمبر خود حضرت محمد ص خیر داده است.

- حضرت مریم هرچند خود معجزه آفرید، با وجود همه مشکلات که در برابرش قرار داشت، یعنی فشار و اذیت که از مردم جاهل به وی میرسید، از طرف خداوند هدایت گردید تا پروردگارش را یاد نموده رسالت اش را در برابر دین خدا در پیش گیرد.

با وجود موانع که در سر راه پیشرفت زنان همواره وجود داشته و دارد با آنها امروز زنانی را سراغ کرده میتوانیم که در راه دین خدا به مقام های بلند مذهبی رسیده اند، از جمله میتوان از (سعینت میری مکلف) یاد آور شد که سالیان بعد از وفاتش به این لقب (ولی) مفتخر گردیده است، وی اولین زن میباشد از کشور آسترالیا که به چنین مقام از طرف پاپ جان پال (کلیسای واتیکان) نایل گردیده است.

جای افتخار است که در تاریخ اسلام زنان مسلمان رسالت شان را در برابر دین با ایمانداری کامل تمام نموده و نامی در تاریخ اسلام از خود بجا گذاشته اند.

متأسفانه به مرور زمان قهرا و یا جبرا (ظلم زمانه) بین انسانها و دین شان فاصله ایجاد نمود، حقوق و واجبات دینی زنان نیز به آنها بسیار محدود گردید.

آری! عالم در کجا رسیده است و ما تا هنوز در کجا قرار داریم.

امروز که جهان اسلام با مشکلات زیاد روبرو میباشد، ضرورت احساس میشود تا همه مسلمانان جهان اعم از مرد و زن در راه نجات دین مقدس اسلام بدون تبعیض رسالت خود را صادقانه انجام دهند. و نه چنانکه یک خدمت گذار دین را روانه زندان ساخته و یا از برنامه ای که دعوت مردم (برگشت به قرآن) بود، و بسیاری از بنیادگان از آن مستفید میگرددند، محروم ساخته شدند.

پس برای شناخت و روشنائی از دین بایست (اسلام را از نو شناخت) و راه هائیرا که در آن حساسیت و کینه نباشد جستجو نمود، نه اینکه نسل امروز و فردا را در تاریکی رها ساخته تا در گمراهی و جهل غرق گردند.

در اینجا در مورد یکی از موضوعات که: آیا خوردن گوشت که نام خدا در موقع ذبح گفته نشده باشد حلال است؟ بحث را آغاز نموده، تا ازین وسوسه های شیطانی نجات یابیم. متأسفانه روشنکری روی این موضوع چندان صورت نگرفته است و مردم تا هنوز که هنوز است برای دریافت جواب همچو سوالات شان سرگردان می باشند.

هرچند عالم دین نیستیم ولیکن برای بدست آوردن (خرما و صواب) همچنان نجات از شر وسوسه های شیطانی، برداشت و استدلال خود را از ترجمه معانی قرآن با دیگران شریک ساخته، تا عمر باقیست درین راه به یاری خداوند تلاش خود را ادامه خواهیم داد.

(با زن و شوهر هموطن خود که هر دو دارای تحصیلات عالی بودند آشنا شدیم، روی رسم افغانی از ایشان دعوت نمودیم تا جهت صرف غذا به منزل ما تشریف بیاورند، با اخلاص زیاد مقدار گوشت (قربانی) که تا آنوقت موفق به پخت آن نشده بودم غذا ساده ای تهیه نمودم. قبل از صرف غذا یکی از آنها سوال نمود:

آیا شما از نان خشک و گوشت حلال میخرید؟ از اینکه مطمئن شدند، گوشت پخته شدگی به زعم خود شان

(حلال) است با مزه و اشتهای تمام خوردند. جای تأثر است، زیرا چنین سوالی در منزل یک مسلمان دور از اخلاق اسلامیست). اگر یک عیسوی بجای آنها میبود هرگز بخود اجازه نمیداد که این سوال را مطرح کنند.

در قرآن آمده است که خداوند تعالی مسلمانان را از خوردن (گوشت خوک - خون - گوشت حیوان " به هر ترتیب مرده" یا خفه شده باشد همچنان گوشت حیوان که به غیر از نام خداوند ذبح شده باشد) منع فرموده است.

این سوال را نزد خود مطرح کنیم که:

آیا خداوند تعالی به ذبح حیوان اشاره نموده است که مردم جهت مصرف روزانه استفاده میکردند؟  
آیا گفتن (الله اکبر) در موقع ذبح حتمی میباشد، اگر مسلمان باشد یا اهل کتاب، یعنی در غیر آن حلال نیست؟  
آیا گوشت مرغ نیز شامل آن میباشد و باید به همان طریق ذبح شود؟

این همه سوالات خواهی نخواهی نزد مردم همواره وجود داشته و دارد که باید روی آن روشنی انداخته شود تا وسوسه های شیطانی برای همیشه از قلب ما دور گردد.

استنباط بنده آیات قرآن نشان میدهد که به زبان آوردن کلمه (الله و اکبر) آنهم با صدای بلند صرف هدف از گوشت (قربانی) بود که مشرکین در موقع زیارت خانه خدا بنام بت های خود حیوانات را ذبح مینمودند و گوشت آنرا در میان مردم تقسیم میکردند، البته روی قرابت ها همچنان همزیستی مسالمت آمیز که مسلمانان با آنها داشتند از گوشت قربانی های همدیگر حصه میگرفتند و میخوردند. پس خداوند به بندگان امر فرمود تا از گوشت حیوان که به غیر از نام خداوند ذبح گردیده باشد نخورند، البته راه پسندیده را نیز برایشان نشان داد تا در موقع ذبح با صدای بلند (الله و اکبر) بگویند، یعنی هم به مسلمانان فهمانده شد تا از خوردن چنین گوشت اجتناب کنند و از جانب دیگر متوجه ساختن آنعد که مشرکین بود که محبت خداوند را در قلب خود داشتند تا قربانی را بنام خدا انجام دهند نه بتان شان، اما آنها به حساب ادیان اجداد خود پیغمبران شانرا که از فرزندان نوح ع می پنداشتند، از صورت و تصویر خیالی بت ها درست نموده بودند، بدین ترتیب حیوانات شانرا بنام بتها قربانی میکردند تا به واسطه آنها رضای پروردگار را حاصل نمایند.

البته این حکمت خداوند بود تا مشرکین با شنیدن صدای بلند (الله و اکبر) بدانند که قربانی حیوان بایست بنام خدای بزرگ باشد. کاملاً واضح است که خداوند تعالی صدای آهسته بندگان خود را نیز شنیده میتواند، اما برای توجه و ترک عادت مشرکین که از روی جهالت به آن عمل میکردند، در قرآن آمده است تا نام الله را در موقع قربانی به آواز بلند بخوانند.

در آن زمان تمام سرزمین مکه کاملاً مسلمان نشین نبود مسلمانان با حسن نیت و اخلاق نیکو (اسلامی) در کنار سایر مردم اهل مکه زیست میکردند و تعارفات (داد و ستد) در برابر همدیگر خود نیز داشتند.

- در روایتی آمده است که خانم پیغمبر به رسول خدا میگوید: فلان شخص بما گوشت فرستاده است نمیدانم در موقع ذبح اسم الله خوانده شده است و یا نه؟ رسول خدا فرمود: اگر خوانده هم نشده باشد خودت بالایش الله و اکبر بخوان و آنرا پخته کن.

در اینجا ما چهره واقعی از شریعت و دین اسلام را می بینیم که چقدر تجلی بخش است، رسول خدا به زنش میفهماند که اگر آنها عمدا و یا سهوا نگفته باشند این کلمه را خود بالای گوشت بخوان.

در حقیقت راه دعوت حق (اسلام) هم همین است. نه اینکه با نشان دادن حساسیت های بیجا حلال را حرام بگوییم. (برخلاف: اگر رسول خدا به زنش میگفت و قتیکه به آن شک داری گوشت را به پیشک بباندا، معلومدار از این روش پیغمبر دیگران خبر و سبب دشمنی در میان شان میگردید، درین صورت دعوت اسلام بطی به پیش میرفت چنانکه امروز به کندی پیش میرود، زیرا روی یک موضوع دینی همه باهم اتحاد نظر نداشته، به خصوص آنعد از مسلمانان که همواره سخن از کلام خدا و سنت پیغمبر میزنند، مردم را نه تنها از خوردن (گوشت) اهل کتاب منع میدارند، حتی وظیفه انتقال و فروش از (ذبح غیر اسلامی) را نیز حرام میدانند ...

خداوند تعالی خطاب به آدم و حوا گفت: از تمام اشیا در بهشت استفاده کرده اجازه خوردن دارید، مگر یک چیز را نمیتوانید بخورید. خداوند به بندگان خود سخت نگرفته همه نعمت ها را برایشان ارزانی و حلال داشته است مگر چند چیز مشخص که در قرآن بصورت واضح آمده و مردم را از آن منع فرموده است.

ممکن مشکلات (ذبح حیوان) در آنزمان رفع شده باشد و لیکن امروز این حساسیت ها در برابر بسیاری از موضوعات که از اصل و حقیقت آن بیخبر مانده ایم چند برابر بیشتر شده، که جوامع اسلامی را متأثر ساخته است.

بعضی ها بخاطر منافع شخصی و فروش اجناس خوراکی شان بالای هر جنس نام (حلال) را میگذارند و برای مردم وسوسه ایجاد میکنند، یعنی عین جنس در مغازه های دیگر اگر حلال در آن نوشته نشده باشد به آن کراهیت نشان داده و حرام میدانند مانند تخم مرغ - نان خشک - ساجق و غیره چیز های دیگر.

برای جلب مشتریان مسلمان در (رستوران هندی) مشقی نوشته شده است (گوشت حلال)

- برادر به دعوت خواهر خود نمیروند، زیرا آنها از گوشت حلال (دکان اسلامی) استفاده نمیکنند.

- شخص محترم در صحبتش گفت: من از دکان قصاب که صرف خودش مسلمان باشد و پدر - مادرش اهل کتاب گوشت نمیخرم اقلاً از سه پشت مسلمان باشد.

(روزی خواهد رسید تا در حضور خداوند جواب بگوییم اینکه: از راه نعمت عقل که بما داده بودی استفاده نکردیم و هر آنچه دیگران گفتند شنیدیم، بدون تعقل و به رسم تقلید انجام دادیم). به امید توفیق

پایان

تعداد صفحات: ۲ از ۳

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

[maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

